

طلاق نباید در جامعه «منفور» شود

هرساله امید می‌رود که بتوانیم بیشتر به جایگاه و تحکیم بنیان خانواده بپردازیم اما افزایش آمار طلاق و عدم تمایل جوانان به ازدواج مجال این کار را به ما نمی‌دهد ...



هرساله امید می‌رود که بتوانیم بیشتر به جایگاه و تحکیم بنیان خانواده بپردازیم اما افزایش آمار طلاق و عدم تمایل جوانان به ازدواج مجال این کار را به ما نمی‌دهد چرا که به گفته کارشناسان چه طلاق به دلایل درستی صورت گرفته باشد و یا نه تبعات سنگینی برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت و او را با آسیب‌های روحی زیادی مواجه می‌کند که گاه تا پایان عمر با اوست.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از سایت قانون؛ برای درک بهتر و ریشه‌یابی عمیق‌تر این معضل اجتماعی از نظرات عبدالرضا عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، مجید صفاری نیا، رئیس انجمن روان‌شناسی اجتماعی و عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران و اصغر مهاجری، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی بهره‌مند شدیم که در ادامه می‌خوانید:

چندی پیش معاون وزارت ورزش و جوانان از افزایش 40 درصدی طلاق در تهران خبر داد. به گفته او 20 درصد میانگین ازدواج‌های کشور به طلاق منجر می‌شود. باتوجه به پیامدهای زیانبار و منفی طلاق در خانواده و اجتماع علت این موضوع را در چه می‌بینید؟

مهاجری: چرخش و یا رنسانس فرهنگی اتفاقی است که تغییراتی را در چارچوب جامعه به خصوص کلانشهرها ایجاد کرده است. زمانی که چرخه فرهنگی رخ می‌دهد و همه کالاهای فرهنگی و رویکرد مصرفی دامن‌گیر جامعه می‌شود، این موضوع افزایش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق را در پی دارد. از طرف دیگر سبک زندگی جدید و انتقال خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای و شبه هسته‌ای و همچنین ریخته شدن قبح طلاق موجب شده خانواده ایرانی در حال پوست اندازی باشد که از نشانه‌های آن گذر از طلاق اجتماعی به حقوقی است.

صفاری نیا: جامعه ما درحال توسعه و صنعتی شدن است که در چنین بستری تحولاتی هم اتفاق می‌افتد که برخی از آن‌ها مثبت و برخی منفی اند. طلاق یکی از آن‌هاست که با عواملی همچون مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی همبستگی دارد. افزایش شبکه‌های ارتباطی مانند اینترنت و ماهواره نیز می‌تواند به ایجاد روابط فرا زناشویی دامن‌بزند که این خود موجب افزایش طلاق می‌شود. از سویی دیگر اکنون در جامعه استانداردهای سلامت اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و این موضوع می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را افزایش دهد.

عزیزی: طبق تحقیقاتی که به شکل میدانی از دادگاه‌های خانواده به دست آورده‌ام، عوامل متعددی در افزایش طلاق نقش دارند. از جمله گرایش به فرهنگ مصرف‌گرا و گسترش بی‌بندوباری‌های جنسی و آزادی‌های افسارگسیخته تفکری حاکم بر جامعه آمریکا. قرار گرفتن طلاق به بهانه‌های مختلف در دست زنان از دیگر موارد افزایش طلاق است. صنعتی شدن زندگی نیز موجب افزایش سطح توقعات بانوان و زیاده‌طلبی و تنوع خواهی مردان شده و زمینه را برای بروز اختلاف و جدایی‌ها فراهم کرده است. بالا بودن میزان مهریه‌ها، ناهماهنگی زن و شوهر از جهت وضعیت اقتصادی، علمی و سطح تحصیلات، عدم شناخت زوجین از یکدیگر، سست شدن مبانی اعتقادی و عدم پایبندی به مقررات دینی نیز از سایر عوامل قابل طرح در این خصوص هستند. مشکلات اقتصادی عامل دیگری است که زوج‌های جوان در زمان تشکیل خانواده از عهده تامین هزینه‌های زندگی بر نمی‌آیند و راه‌حل را در طلاق می‌یابند.

طلاق ثبتي آسيبش بیشتر است يا طلاق عاطفي ؟

صفاری نیا: به نظر من طلاق ثبتي آسيب بیشتری به فرد وارد می‌کند چون زوجین با یکدیگر زندگی نمی‌کنند اما در طلاق عاطفي آن‌ها از زندگی با یکدیگر رضایت ندارند ولی به دلیل زندگی کردن در کنار یکدیگر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتری دارند. حتی گاهی دیده می‌شود زوجین با خویشاوندان و خانواده همسر مشکلی ندارند و بچه‌ها از بودن والدین در کنار هم

رضایت بیشتری دارند. مگر اینکه زوجین کشمکش‌ها و تنش‌های زیادی در خانه داشته باشند که آن وقت آسیب بیشتری نسبت به طلاق ثبتی به فرد وارد می‌شود.

عزیزی: به نظر من طلاق در 4 گروه طبقه بندی می‌شود. طلاق عاطفی بدون فرزند، طلاق عاطفی با فرزند، طلاق ثبتی بدون فرزند و طلاق ثبتی با فرزند. از این دیدگاه کم هزینه ترین و بهترین نوع طلاق برای جامعه، طلاق ثبتی بدون فرزند است چرا که طرفین با علم پیدا کردن به عدم امکان تداوم زندگی مشترک، به شکلی کاملاً شفاف، قانونی و متعارف از یکدیگر جدا شده و هنوز فرزندی وجود ندارد که مجبور به تحمل تبعات حاصل از این تصمیم خانواده شود. بدترین و پرهزینه ترین نوع طلاق نیز، طلاق ثبتی با فرزند است چرا که اثرات مخرب روانی برای فرزندان طلاق به مراتب بیشتر از فرزندان است که والدین آنها با وجود طلاق عاطفی و عدم علاقه به یکدیگر، صرفاً برای حفظ مصالح فرزندان به تداوم زندگی مشترک می‌پردازند.

مهاجری: فرآیند پیچیده طلاق نقطه شروع دارد اما پایان ندارد یعنی طلاق صد درصدی وجود ندارد و بین زوجین امکان ندارد جدایی کامل رخ دهد. به طوری که خاطرات و عکس‌های دوران زندگی مشترک هیچ وقت به طور کامل پاک نمی‌شوند. در این بین اگر پای فرزندی هم در میان باشد، قطع این ارتباط ناممکن می‌شود. در واقع همان طور که عاشق شدن طی فرآیندی صورت می‌گیرد طلاق نیز به همین شکل است اما در عرف، مردم "طلاق حقوقی" را طلاق می‌نامند. به نظر من کارکردهای منفی طلاق‌های دیگر همچون طلاق اجتماعی یا پنهان بیش از طلاق حقوقی یا ثبتی است. چرا که در طلاق اجتماعی ارتباطات میان رکن‌های اصلی خانواده یعنی زوجین قطع می‌شود و اختلافات شدیدتر است.

ویژگی‌های خانواده سالم چیست؟

مهاجری: معمولاً در خانواده سالم استحکام خانواده با پشتیبانی سرمایه اجتماعی، روابط پویا و مشارکت محور همراه است. ارتباطات در این گونه خانواده‌ها پیوسته و مثبت است و فضای مقتدرانه‌ای همراه با انعطاف وجود دارد و اعتماد، قانون و احترام حاکم است. در چنین خانواده‌هایی به فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی به اندازه فعالیت‌های دیگر از قبیل امور روزمره، خانه داری و مشاغل خانه اهمیت داده می‌شود.

صفاری نیا: به طور کلی می‌توان گفت در خانواده سالم بالندگی وجود دارد یعنی مشارکت، تماس چشمی، تفاهم، تعامل عاطفی و همکاری وجود دارد و مشکلات در داخل خانواده مرتفع می‌شود.

عزیزی: وجود عشق و محبت در تعاملات درونی خانواده از مهمترین شاخص‌های ارزیابی زندگی سالم در جامعه است. زندگی سالم الگوهای متعارفی دارد. رفتار فرزندان تابلوی تمام نمایی از سلامت خانواده است که خصوصاً در دوران طفولیت، قابلیت شناسایی موثرتری دارد. ارتباطات فامیلی متعدد، مسافرت‌های داخل شهری و برون شهری زیاد، استفاده از تفریحات خانوادگی به جای فردی، کم بودن تنش‌های ارتباطی در تعاملات فردی و اجتماعی از دیگر عوامل شناسایی سلامت زندگی مشترک هستند.

برخی عنوان می‌کنند افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که زنان دیگر نگاه گذشته را که «با لباس عروس به خانه شوهر بیایم و با کفن سفید بروم» ندارند و حاضر نیستند به هر قیمتی شرایط بد را تحمل کنند. چقدر با این موضوع موافقت می‌کنند؟
مهاجری: بله همین طور است. در گذشته خرده‌فرهنگ‌ها باعث شده بود مردم به دلایل مختلف همچون «به خاطر بچه‌ها»، «باید بسوزم و بسازم»، «با لباس سفید آدمم با کفن می‌روم» و ... به راحتی تن به طلاق ندهند اما امروزه به دلیل تغییرات ساختاری در جامعه، قبح گرفتن طلاق شکسته شده است و شهرنشینی و غریبگی باعث شده مردم به خصوص زنان کمتر نگران قضاوت‌ها باشند.

عزیزی: بله نگرش خانم‌ها به زندگی مشترک تغییر کرده اما در کنار آن آقایان هم در این زمینه دچار تحول فکری شده‌اند. به نظر من اصلی ترین علت افزایش نرخ طلاق در جامعه نه تنها در ایران که در تمام دنیا، پیچیده تر شدن شرایط و الگوی زندگی مشترک است. واقعیت غیر قابل انکار، اینکه در جوامع سنتی هرچند نرخ طلاق پایین تر از جوامع پیشرفته است اما طلاق عاطفی سهم عمده‌ای را در الگوی اجتماعی این جوامع بازی می‌کند که نمود آن را در خانواده‌های مسن تر جامعه خودمان هم شاهد هستیم.

صفاری نیا: من کاملاً با این موضوع موافقم. یکی از علل افزایش طلاق، افزایش استقلال مالی و اجتماعی زنان است. چنین افزایشی در آمار طلاق می‌تواند سیر مثبت داشته باشد. زیرا نشان می‌دهد تعداد زنانی که به اجبار و به دلیل نیاز به حمایت در زندگی زناشویی می‌مانند کاهش یافته است. زنی است که می‌تواند روی پای خودش بایستد و خودش را اداره کند اگر با مردی زندگی می‌کند به خاطر روابط فکری و احساسی است که با آن فرد دارد. از سوی دیگر با گذشت زمان هم سلیقه‌ها و هم عقیده‌های زوجین تغییر می‌کند. این که زن و شوهری 10 سال همسران مناسبی برای هم بودند به این معنی نیست که تا پایان عمر بتوانند همسران مناسبی برای یکدیگر باشند. بنابراین توصیه می‌شود زوجین قبل از شروع زندگی یک مدل و الگوی

مشترک برای یکدیگر ایجاد کنند.

بسیاری بر این باورند که افزایش هزینه‌های زندگی فشار مضاعفی را به لحاظ اقتصادی و روحی به مردم وارد می‌کند و در برخی موارد منجر به سست شدن بنیان خانواده می‌شود. چقدر این گونه فشارها می‌تواند در افزایش طلاق تاثیر گذار باشند؟ مهاجر: از نظر من تنگناهای مادی نه تنها عامل طلاق نیستند بلکه گاهی موجب به هم پیوستگی نیز می‌شوند. آنچه که زمینه طلاق را فراهم می‌کند نوع سبک زندگی است که اگر مادی محورانه و براساس چشم و همچشمی باشد می‌تواند فرآیند طلاق را تسریع کند. ضمن اینکه نابرابری‌های اقتصادی و فقدان عدالت با افزایش طلاق رابطه مستقیم دارد که این موضوع در بحران‌های اقتصادی نمود بیشتری پیدا می‌کند.

عزیزی: پیامبر اکرم (ص) حدیث معروفی دارند که می‌فرمایند: « وقتی فقر از یک در وارد شود، ایمان از در دیگر خارج می‌شود». بنابراین بدیهی است که مانند بیماری قند که در بدن انسان بسیاری از ارگان‌ها را مورد هجوم قرار می‌دهد، فشار اقتصادی نیز عوارض فراوانی دارد که از جمله آن طلاق است.

در گذشته به دلیل شناخت افراد از یکدیگر انتخاب زوج به ریش سفیدها و بزرگ ترها واگذار می‌شد اما بسیاری از روان‌شناسان معتقدند در جامعه پیچیده امروز، مردم ماسک‌های اجتماعی دارند که به راحتی شخصیت واقعی آنان قابل شناخت نیست و باید این کار به مراکز مشاوره واگذار شود. چقدر با این گفته موافقت می‌کنید؟ عزیزی: قطعاً برای این کار نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه ریزی‌های دقیق، علمی و جامع توسط دستگاه‌های متولی و خصوصاً وزارت ورزش و جوانان وجود دارد چرا که جامعه امروز نیازمند بهره‌گیری از علم روز با استمداد از متخصصان است. اگر در گذشته ریش سفیدان این کار را انجام می‌دادند کمترین دلیل آن قدرت و نفوذی بود که در سایر اعضای خانواده داشتند که در خانواده‌های امروزی چندان نمی‌توان به این مهم امیدوار بود.

صفاری نیا: از نظر من بسیار کارساز است. حتی من معتقدم مسئولان باید 500 ساعت مشاوره رایگان اجباری را برای زوجین بگذارند یا اینکه اهدای وام را منوط به شرکت در کلاس‌های مشاوره بگذارند.

مهاجر: به نظر من مشکل امروز جامعه ما در دو چیز عمیق و بنیادی است. متأسفانه برخلاف ادبیات دینی ما نگاه به تشکیل خانواده و رابطه جنسی نگاه غیرمقدسی شده است. از سویی دیگر ما برای تشکیل خانواده تربیت نمی‌شویم. به نظر من اگر این موضوع از حالت تابو بیرون بیاید و حل شود بسیاری از مشکلات رفع خواهد شد. ضمن این که در جامعه امروز طبقات متوسط رو به کاهش و طبقات بالا و پایین در حال افزایش هستند. در چنین زمان‌هایی نظام‌های معیارین جامعه پاسداری نمی‌شوند چون طبقات متوسط یک جامعه سوپاپ اطمینان هستند. من معتقدم علت اصلی طلاق در جامعه ما ازدواج‌های بسیار غیرکارشناسی است بنابراین مشاوره قبل از ازدواج می‌تواند کمک موثری برای شناخت بهتر زوجین از هم باشد اما متأسفانه هم اکنون این گونه مشاوره‌ها حالت شعاری پیدا کرده و برای همه طبقات اجتماع در دسترس نیست.

برخی از کارشناسان بر این باورند که قوانین مردسالارانه باید اصلاح شوند و حقوق زنان لااقل در مسائل خانوادگی لحاظ شود. نظرتان در این مورد چیست؟

عزیزی: اینکه قوانین ما کمبود دارند موضوعی نیست که قابل انکار باشد اما اگر بگویم قوانین ما مرد سالارانه است، فرضیه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان بدون انجام یک کار تحقیقاتی بزرگ در خصوص آن اظهار نظر کرد که ما در اینجا در صدد اثبات با نفی آن نیستیم اما به لحاظ تبیین استاندارد، اعتقاد فردی من این است که در خانواده فرهنگ تعاون باید حاکم باشد.

مهاجر: به نظر من ساختار ارتباطات باید تغییر کند چرا که ما با تغییر در قوانین مدنی و رسمی نیز در تغییر الگوهای ارتباطی موفق نیستیم. بلکه این الگوهای ارتباطی باید در حوزه‌های غیررسمی، نظام هنجاری، عرفی، آداب و سنن هم تغییر پیدا کند.

صفاری نیا: به نظر من گاهی اوقات حقوق آقایان هم در جامعه پایمال می‌شود. کم نیستند مردانی که به دلیل قوانین مهریه در زندان‌ها به سر می‌برند. فکر می‌کنم در بحث حقوقی در همه زمینه‌ها باید بازنگری صورت گیرد و پیامدهای روان شناختی قوانین با تحلیلی دقیق تر وضع شوند.

آیا افزایش آمار طلاق می‌تواند منجر به کاهش نشاط اجتماعی شود؟

مهاجر: اگر منظور آن طلاق حقوقی است خیر رابطه مستقیمی وجود ندارد چرا که در برخی از مواقع طلاق اجتماعی که به حقوقی می‌رسد ممکن است موجب افزایش نشاط اجتماعی شود چون در این نوع از طلاق ما در دنیای محصور پنهانی، گرفتار تبعات منفی طلاق هستیم اما در طلاق اجتماعی می‌تواند همبستگی مثبت داشته باشد.

عزیزی: بله. محصول طلاق شوهر تنها، همسر تنها، فرزند محروم از محبت و خانواده‌های آسیب‌دیده است. در واقع طلاق مانند میکروبی که در محیط جامعه میکروب خود را اشاعه می‌دهد عمل می‌کند و کمترین آسیب آن، کاهش نشاط اجتماعی است.

توجه به مذهب چقدر می‌تواند در کاهش طلاق تاثیر گذار باشد؟

مهاجری: به نظر من نه تنها در جامعه سنتی آموزه‌های مذهبی تاثیر عمیقی دارد بلکه در جوامع مدرن شده و پیشرفته امروز نیز مذهب عامل موثری در کاهش طلاق است.

عزیزی: من در این خصوص به یکی از فرمایشات گرانبهای حضرت علی (ع) در مورد حیا اکتفا می‌کنم که فرمودند حیا از کار زشت جلوگیری می‌کند و واضح است که در نبود حیا و شکسته شدن حریم خانواده چه اتفاقات شومی رخ خواهد داد. اگر ما دستورات اسلام، آیات قرآن کریم و فرمایشات ائمه معصومین را بتوانیم به درستی در جامعه پیاده‌سازی کنیم قطعاً شاهد بسیاری از خسارت‌های اجتماعی نبوده و حداقل نرخ بروز آنها کاهش خواهد یافت که در اینجا لازم است توجه دولت تدبیر و امید را به تقویت حوزه‌های فرهنگی جامعه با محوریت خانواده جلب کنم.

صفاری نیا: به نظر من هم مذهب می‌تواند در کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار موثر باشد.

یکی از موضوعاتی که در کاهش طلاق نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، ارائه آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین است. چقدر توجه به این موضوع را تاثیر گذار می‌دانید؟

مهاجری: بسیار به نکته مهمی اشاره کردید. فقدان مهارت‌های زندگی، عدم اعتماد به نفس را در پی دارد و وقتی این موضوع با عوامل دیگری تجمیع می‌شود بستر شکاف خانواده را فراهم می‌کند. در واقع اگر زوجین نتوانند درک درستی از نیازهای متقابل یکدیگر داشته باشند، مشکلات فراوانی خواهند داشت زیرا بسیاری از جوانان هیچ آشنایی با سبک و روش‌های مقابله با بحران‌های زندگی ندارند و در مقابل مشکلات، راهکاری جز پاک کردن صورت مسئله نمی‌دانند. زن و شوهری که مهارت درست حرف زدن، خوب گوش دادن، به موقع انتقاد کردن و چگونه زیستن را ندانند قطعاً در زندگی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند که آموزش‌های مهارت زندگی می‌تواند به رفع این مشکلات کمک کند. بدون شک یکی از اصلی‌ترین راهکارهای مقابله با معضلاتی از جمله طلاق و تبعات آن، تقویت نهاد خانواده است. حتی یکی از دستورات رهبری این بوده است که همه برنامه‌ها خانواده محور باشد اما متأسفانه توجه به خانواده شعاری شده است.

صفاری نیا: از نظر من هم بسیار مهم است چون شناخت ناکافی زوج‌ها از یکدیگر و توقعات نامعقول، عدم تعهد، آشنا نبودن با مهارت‌های زندگی، مشکلات عاطفی، کوتاه بودن مدت آشنایی و عدم مهارت در روابط ارتباطی و جنسی عواملی هستند که زوجین باید در مهارت‌های زندگی آموزش ببینند. از سویی دیگر آمارها نشان می‌دهد که فرزندان طلاق معمولاً رویای بازگشت والدین را دارند و خود را مقصر اصلی جدایی والدین می‌دانند و احساس گناه می‌کنند به همین دلیل آموزش مهارت‌ها می‌تواند در کاهش آسیب به خانواده‌ها و حتی پس از طلاق کارساز باشد.

عزیزی: قطعاً اثرات بسیار خوبی دارد. بر اساس تحقیقات انجام شده در دنیا و خصوصاً در جوامع مذهبی از قبیل ایران، دلیل بخش بسیار قابل توجهی از طلاق‌ها، مربوط به مسائل مربوط به خلوت زن و مرد و عدم آموزش صحیح افراد جامعه در اهمیت ایجاد آمادگی در همسر برای ایجاد ارتباط فیزیکی است که به علت تکرار بسیار زیاد شکایت‌های ناشی از آن خصوصاً از جانب خانم‌ها، پس از اینکه در این خصوص به ناامیدی می‌رسند، راه چاره‌ای جز جدا شدن پیدا نمی‌کنند که تقویت آموزش‌های مهارت زندگی خصوصاً در زمینه‌هایی که جامعه ما نیاز بیشتری به آنها دارد از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است.

به نظر می‌رسد بر خلاف نظریات کلیشه ای رایج در فضای رسانه‌ای کشور نه ازدواج همیشه خوب است و نه طلاق همیشه بد. موافق این موضوع هستید؟

مهاجری: ازدواج همیشه خوب است اما اگر منظور شما ازدواج تحمیلی و یا ازدواج ناآگاهانه است بله این شکل از ازدواج نیز همانند طلاق می‌تواند بد باشد. ضمن اینکه همه طلاق‌ها نیز نمی‌توانند منفی باشند اما تبعات سنگینی دارند.

عزیزی: قبلاً به این موضوع اشاره شد که گاهی به طور مثال در طلاق ثبتي بدون فرزند مضرات آن به مراتب از ادامه زندگی و طلاق خاموش یا عاطفی کمتر است.

صفاری نیا: بله، همین طور است نباید طلاق را خیلی منفور دانست و حتی جایی ممکن است حکم درمان را هم ایفا کند اما ازدواج درست همیشه خوب است. چرا که به هر حال طلاق پیامدهای روانی، اقتصادی و اجتماعی برای فرد ایجاد می‌کند به همین دلیل باید با افزایش سلامت اجتماعی و طراحی مدل اسلامی- ایرانی در تحکیم خانواده تلاش کنیم. آمارها نشان می‌دهند اکنون حال افراد مجرد ما خیلی بدتر از متاهلان نیست و متاهل‌ها هم خیلی خوشحال تر از مجردها نیستند که این موضوع نگران کننده است.

نقش ماهواره را چقدر در به وجود آمدن این معضل مهم می‌دانید؟ آیا اینکه عنوان می‌شود شبکه‌های ماهواره‌ای نقش مهمی در افزایش آمار طلاق دارند یک جور توجیه و از مسئولیت شانه خالی کردن مسئولان نیست؟

عزیزی: به نظر من ماهواره محصول جامعه غربی مصرف‌گراست که با تقویت و تبلیغ مصرف‌گرایی، حیات اقتصادی خانواده‌ها را تهدید می‌کند. این یکی از علل تقویت طلاق از طریق ماهواره است. از آن مهم تر، سریال‌هایی که به طور برنامه ریزی شده برای انهدام نهاد خانواده در جوامع اسلامی تهیه می‌شوند با تکرار پدیده‌های قبیحی از قبیل ارتباط نامشروع زنان و مردان همسر دار با افراد غریبه، سعی در طبیعی جلوه دادن و ترویج آنها دارند. این عوامل باعث بروز پدیده‌های از بین رفتن ارتباطات کلامی بین همسران و اعضای خانواده و در نتیجه سرد و بی روح شدن کانون گرم خانواده که طلاق زیر یک سقف یا همان طلاق خاموش می‌شود.

مهاجری: من نقش ماهواره را در فرآیند طلاق موثر نمی‌بینم چراکه طلاق موضوعی اجتماعی است و تا شرایط عینی اجتماعی آن فراهم نشود طلاق افزایش نمی‌یابد. به نظر من شبکه‌های مجازی در تغییر رویکردهای فرهنگی و رنسانس فرهنگی و به تبع آن عدم رغبت به تشکیل خانواده موثرند اما در عامل طلاق سهم کمتری دارند. از طرف دیگر در زمانی که ماهواره به این شکل گسترده نشده بود نیز ما همچنان شاهد سیر صعودی طلاق بودیم و آمار قابل توجهی از طلاق ثبتی داشتیم. به نظر من عمده ترین دلیل طلاق عدم رضایت زناشویی و رضایت جنسی است.

بیشتر: سلامت نیوز (تندرستی): خانواده: طلاق نباید در جامعه «منفور» شود:::